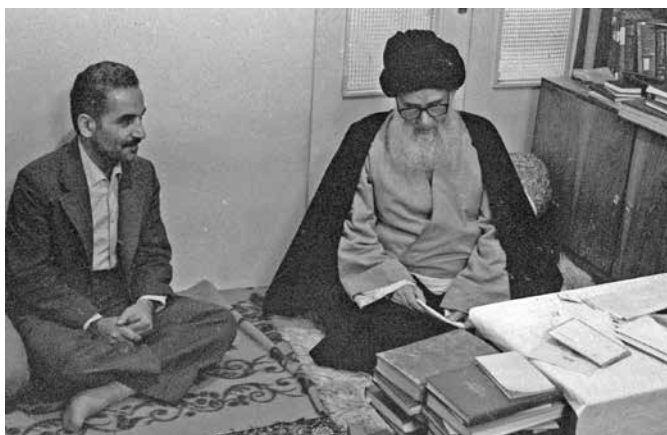




دوران نخست وزیری

وقتی بنی صدر تنفیذ شد؛ امام او را از دنیاگرایی با حدیثی از امام صادق (ع) پرهیز داد، رئیس جمهور اما از همان روزهای اول ساز ناکوکش را با جریان انقلاب کوک کرد، در این شرایط محمدعلی رجایی مردی که انقلاب را برای اسلام می دانست با نظر امام خمینی به عنوان نخست وزیر انتخاب شد؛ چالش های رجایی با رئیس جمهوری که اندیشه های مسعود رجوی را می پسندید و تفکرات بازرگان را تقدیس می کرد هیچ گاه سبب مماشات در خدمت به ملت نشد:



مجلس، بدون توجه به گرایش سیاسی و فکری رئیس جمهور، تمام مشورت ها و رایزنی های خود را با افراد انقلابی، مکتبی و ... به جناح خط امام (ره) انجام داد و به سیاست کلی انتخاب وزیران مبتنی بر: مکتبی، انقلابی بودن و مقلد امام خمینی بودن تأکید و اعلام داشت که برای تفاهم به مکتب روی خواهد آورد و اسلام را وجه المصالحه تحبيب قلوب نخواهد کرد.

رجایی به عنوان نخست وزیر واجد شرایط اعلام کرد و بنی صدر به رغم میل درونی اش این پیشنهاد هیأت را به صورت مشروط پذیرفت و در ۲۰ مرداد ۱۳۵۹ محمدعلی رجایی با ۱۵۳ رأی موافق از مجموع کل ۱۹۶ رأی مأخوذه با اکثریت آرا به عنوان اولین نخست وزیر نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد.

رجایی پس از کسب رأی تمایل نمایندگان

با شروع به کار مجلس شورای اسلامی از هفتم خرداد ۱۳۵۹، نظام اسلامی وارد مرحله جدیدی شد، زیرا با شروع فعالیت مجلس ساختار سیاسی جامعه نیز بر مدار جدیدی شروع به چرخیدن کرد. پس از انتخاب حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس شورای اسلامی در ۲۹ تیر ۱۳۵۹ و سوگند ابوالحسن بنی صدر در ۳۱ تیر ۱۳۵۹ در مجلس، مسأله معرفی و انتخاب نخست وزیر در میان طیف سیاسی جامعه و مطبوعات که پس از افتتاح مجلس مطرح شده بود بعد تازه و وسیعی به خود گرفت و گمانه زنی های سیاسی شروع شد؛ سرانجام پس از معرفی چهره هایی از سوی بنی صدر جهت نخست وزیری همانند سیداحمد خمینی و میرسلیم که هر یک به عللی با مخالفت حضرت امام (ره) و یا نمایندگان مجلس روبه رو شدند و کار به بن بست رسید در نهایت به توافق رئیس جمهوری و مجلس، رئیس جمهوری از مجلس خواست افرادی را معرفی کنند و رئیس جمهوری از میان آنان نخست وزیر را انتخاب کند.

هیأت منتخب بررسی صلاحیت نخست وزیر، پس از بررسی ۱۴ نفر نامزد نخست وزیری، نظر نهایی خود را مبنی بر انتخاب محمدعلی